نقش معلم و مربی در توسعه‌ی روابط انسانی

دکترعلی‌اکبر شعاری نژاد

شخصیت سالم= برخوردار از روابط اجتماعی سالم.
رابطه‌ی سالم= رابطه‌ی مبتنی بر محبت و احترام متقابل.

انسان با انسان، به انسان و برای انسان زنده است

و

زندگی می‌کند.

* *

معلمی، فلسفه است و علم وهنرو صنعت.
معلمی،مهارتی است عمدتاً آموختنی و مبتنی بر عشق، منطق و جرئت.

بنابراین،

معلمی را نباید جز به معلمان تربیت یافته برای این مهارت واگذار کرد.

* *

آموزش-پرورش یا تربیت، طبعاً فعالیتی است:
- نظام‌دار و نظام‌دهنده
- هدفمند و جهت‌دار
- تعاملی، یا دارای تأثیر متقابل حداقل میان دو نفر
- آینده‌نگر و آینده‌پرداز
- جامع‌نگر و جامعه‌نگر با توجه ویژه به فرد
- جدّی تلقی کننده‌ی حیات انسان
- ارزشمند تلقی کننده‌ی انسان و انسانیت
- دارای فرهنگ وادبیات خاص
- متغیر وتغییردهنده
- محرک و مشوق خلاقیت‌های فکری، علمی، هنری،فنی و...
- محیط‌گرا یا محیط‌نگر ومحیط‌پرداز
- سلامت‌جو و سالم‌نگر؛ به این معنا که همه‌ی افراد و بشررا سالم و سلامت‌جو می‌داند، مگر این که به روش علمی خلافش ثابت شود.
- محرک ومشوق اندیشیدن‌ها و اندیشه‌های متفاوت، انتقادی و ابتکاری، بازاندیشی‌ها و فراتر اندیشی‌ها
- دارای پیچیدگی‌های خاص
- مستلزم تربیت و کارورزی ویژه
- مستلزم تدبیر و تأمل در هر گام اجرایی
- مستلزم برنامه‌ریزی ماهرانه،صرفاً به وسیله‌ی متخصصان برنامه‌ریزی آموزشی
- متنفر از هرگونه فعالیت آموزشی صِرفاً تقلیدی
- محرک ومشوق بیدار بودن و بیدار ماندن و برخورداری از ذهن باز و بیدار
- حساس نسبت به نیازهای واقعی مربیان و محیط اجتماعی و جهان ایشان
- محرک و مشوق برقراری و استحکام روابط و ارتباطات اجتماعی خردوکلان

خلاصه، به گفته‌ی یکی از پیشگامان آموزش‌پرورش نوین ایران، «افراد آدمی دیوارهای گِلی نیستند که اگر کج ساخته شدند، ویران کردنشان آسان باشد. تربیت فنی است که مثل فن پزشکی،به دانش‌های بسیار نیاز دارد،اما به مراتب مشکل‌تر از فن پزشکی است.»

گام نخست فرایند تربیت یا آموزش‌پرورش عبارت است از برقراری رابطه و ارتباط؛

وگام پایانی آن عبارت است از اطمینان از قابل اعتماد بودن روابط و ارتباطات میان:
- خالق و مخلوق یا خدا و انسان
- محصلان یا کودکان و نوجوانان
- معلمان و محصلان
- معلمان، محصلان و اولیا
- مدرسه و جامعه
- مدرسه و جامعه و جهان
- انسان و تکنولوژی
- انسان و طبیعت

به عبارت دیگر، چگونگی روابط و ارتباطات را می‌توان اساسی‌ترین،مهم‌ترین و عینی‌ترین معیار شایستگی و موفقیت تربیتی هر مدرسه تلقی کرد. چون هدف عمده‌ی همه‌ی درس‌ها جز این نیست که دانش‌آموزان و دانشجویان و حتی اولیای ایشان یاد بگیرند که:چگونه از زندگی سالم و شایسته برخوردار شوند؛ چگونه باهم زندگی کنند و همدیگر را در هر شرایط فرهنگی،تحمل کنند و محترم شمارند؛ چگونه از مواهب خدادادی خود به نفع و مصلحت خویشتن و سایر شهروندان استفاده کنند؛ چگونه از طبیعت استفاده کنند و آن را همیشه سالم نگه دارند،چون به همه‌ی

افراد بشر در همه‌ی دوران زندگی تعلق دارد.

بدیهی است که نخستین سرمشق این‌گونه آموزش‌پرورش،بعد از خانواده،مدرسه است. در مدرسه هم شاید تنها الگو و حتی مسئول چنین بارآوردن کودکان و نوجوانان،بدون هرگونه تعارف و اغراق،معلم است؛ معلمی برخوردار از شناخت و درک ویژگی‌های ذاتی آموزش‌پرورش که در آغاز مقاله مطرح شد. یعنی معلمی برخوردار از: روابط اجتماعی سالم در مدرسه،جامعه و جهان.

این معلم می‌داند و باور دارد که موفقیت آموزش‌پرورش یا هرگونه فعالیت تربیتی در محیط مدرسه و کلاس، طبعاً به وضع روابط او با همکاران و دانش‌آموزان و دانشجویان بستگی دارد. همواره این اصل تعیین کننده‌ی روان‌شناختی را به یاد دارد که دانش‌آموزان از معلمانی یاد می‌گیرند که از روابط اجتماعی سالمی با ایشان و اولیایشان برخوردارند؛ روابط: مهرآمیز؛ قابل اعتماد و اطمینان؛ شادی‌آور؛ اُمیدبخش؛ محرک و مشوق یادگیری فعال و مؤثر؛ محرک و مشوق روابط سالم اجتماعی و همزیستی؛ مبتنی بر محبت و احترام متقابل،عواطف انسانی،اعتماد متقابل و امنیت‌خاطر متقابل.

در چنین معلم یا معلمانی ویژگی‌های زیر را ملاحظه می‌کنیم:

۱.بسیار جدی تلقی کردن زبان، مطالعه‌ی زبان‌شناسی و زبان فرهنگِ خودش؛ چون او می‌داند که در آموزش-پرورشِ جهان امروز،مطالعه‌ی زبان‌شناسی،بر مطالعه‌ی روان‌شناسی مقدم است.

۲.همواره لبخند طبیعی نه تصنعی و تظاهری داشتن؛ چون می‌داند و باور دارد که لبخند پلی است میان دل معلم و دل محصلان. در معلمان برخوردار از شخصیت سالم،چند ویژگی را می‌توان به‌راحتی مشاهده کرد:

الف)راحت می‌خندند.

ب) در سخن گفتن،راحت به چشمان مخاطبان نگاه می‌کنند.

پ)در برقراری روابط اجتماعی سالم،راحت هستند.

ت)هر درس را فرصتی برای تحکیم و تقویت روابط یا ارتباطات تلقی می‌کنند.

آن‌ها می‌دانند و باور دارند که روابط اجتماعی درس نیست،بلکه زندگی است و در همه‌ی درس‌ها مطرح است یا بایدمطرح باشد. آموزش موفق و یادگیری موفق، بدون برقراری رابطه‌ی سالم، غیر ممکن است.

ث)فرصت‌های تقویت روابط انسانی سالم زیر را فراموش نمی‌کنند:

- فعالیت‌های آموزشی آزاد یا باز(فوق برنامه)
- کارهای درسی و هنری
- ورزش و تمرین‌های ورزشی
- الگوهای کودکان و نوجوانان بودن

ج)می‌دانند و باور دارند که برقراری و ادامه‌ی روابط اجتماعی و نهادینه کردن آن‌ها در دانش‌آموزان،بدون همکاری صمیمانه‌ی اولیای ایشان،تقریباً ناممکن است.

چ)کلاس درس خود را به شکل «کارگاه آموزشی» اداره می‌کنند.

ح)دانش‌آموزان را به مطالعه‌ی داستان‌های اجتماعی و آثار آن‌ها در گسترش رابطه‌ی سالم میان افراد بشر تشویق می‌کنند.

خ)پژوهش‌های گروهی را در کلاس،تحریک و تشویق می‌کنند.

د)در کاربرد روش‌های گوناگون تدریس، همواره به نقش و تأثیر روش در برقراری و تقویت روابط اجتماعی سالم توجه دارند و بیش‌تر به آن می‌پردازند.

ذ)خود مظهر روابط اجتماعی سالم هستند.